

تصویر شخصیت‌های عاشورایی در شعر عربی و فارسی موردپژوهی شعر «سید حسن حسینی» و «حسن السنید»

دکتر نرگس انصاری *

استادیار گروه عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

چکیده

این جستار طی خوانش تطبیقی با در پیش گرفتن روشی توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی همسانیها و ناهمگونیهای این دو متن از دو فرهنگ و زبان متفاوت از حیث نوع تصویر شخصیت‌هاست.

ترسیم بعد حماسی و انقلابی شخصیت امام در دودفتر، نگاه فرازمانی دو شاعر به ایشان و پیوند با عصر و جامعه حاضر، گرایش به پیچیدگی و پرهیز از صراحت گویی از اشتراکات دو دفتر بوده، در عین حال، تنوع و گستردگی ابعاد شخصیت، آمیختگی تصویر برخی شخصیتها با مفاهیم حزن و اندوه و تعدد از ویژگیهای دفتر شعر عربی است.

کلیدواژه‌ها: شعرسید حسن حسینی، شعر حسن السنید، شعر عاشورایی ایران و عرب، تصویرسازی شعر معاصر ایران و عرب

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۱۹

نویسنده مسئول: narjes_ansari@yahoo.com

۱. بیان مسئله

شخصیت، نظام فعال کاملی است متشکل از مجموعه‌ای ویژگیهای جسمی، روحی - روانی، گرایشی و معرفتی که باعث تمایز شخص از دیگران می‌شود و رفتار او را در محیط تعیین می‌کند (جنداری، ۲۰۱۲: ۱۲). این شخصیت ابعاد مختلفی دارد که از زوایای مختلف قابل بررسی است و نوع بازتاب هر شخصیت در اثر ادبی بیانگر زوایه دید ادیب و درجه اهمیت هریک از ابعاد نزد اوست. از این روست که برخی چون مارتین ترنل معتقد است «هرشخصیتی یک ساختمان کلامی است که بیرون از محدوده کتاب هیچ موجودیتی ندارد؛ محملی است که حالات و احساسات نویسنده در آن متجلی می‌شود و اعتبار و ارزش آن در روابطی است که بادیگر ساختمانهای کلامی نویسنده برقرار می‌کند» (میرام، ۱۳۶۸: ۴۵۵). از طرفی در ادبیات متعهد با شخصیت‌هایی روبه‌رو هستیم که از جایگاهی ایدئولوژیک برخوردارند و این ادبیات را می‌توان «مفهومگرا و اندیشه مدار دانست که تأکید خود را بر محتوا و معنا نهاده است و زبان را وسیله‌ای برای انتقال پیام می‌داند» (حسن لی، ۱۳۸۶: ۱۰۳)؛ لذا بررسی شیوه تصویر شخصیت در آثار ادبی ابزار بیان دیدگاه‌های اعتقادی و باورهای نویسنده است. پرداختن به شخصیت‌های قهرمان و ضدقهرمان در حماسه کربلا از مضمونهای اساسی در شعر عاشورایی برخی ملل و زبانها به شمار می‌آید؛ اما در عین اشتراک محتوایی اشعار این حوزه، شاهد تفاوت‌های مشهودی در موضوعات مشترک وجود دارد که دقت در آن موجب روشن شدن تفاوت فرهنگها نیز خواهد شد. دو مجموعه «گنجشک و جبرئیل» و «الحسین لغة ثانیة»، دو دفتر شعری با موضوع عاشورا است که «امروز غالباً آمیخته با شعر مقاومت است و شعر مقاومت نیز در تبیین مقوله‌های کلیدی استقامت، فداکاری، و شهادت از فرهنگ عاشورا سود می‌جوید.» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۲۲۳). از طرفی گذشته از نوع ادبی یعنی شعر عاشورایی، ویژگی دو شاعر و محیط آنها نیز بر نوع مضمون پردازی و تصویر شخصیت‌های کربلا مؤثر است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۱-۱ سؤالات پژوهش

- دو شاعر برجسته ایرانی و عرب در موضوع عاشورا بیشتر به کدام یک از شخصیت‌ها اقبال کرده‌اند؟
- ویژگی‌های مشترک و متمایز دو ادبیات و زبان در تصویر شخصیت‌ها چیست؟

۲-۱ پیشینه پژوهش

اگرچه درباره ادبیات عاشورایی بویژه شعر فارسی به صورت مستقل آثار بسیاری هست که مجال اشاره به آنها نیست در حوزه تطبیقی آثار اندکی، شعر متعهد دو زبان را به بوته مقایسه و نقد کشیده است که نمونه آن کتاب «عاشورا در آینه شعر معاصر» است که سال ۱۳۸۵ در انتشارات مجتمع فرهنگی عاشورا به چاپ رسید. این اثر بیش از ۴۰ شاعر دو زبان را در صد سال اخیر مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. برخی آثار نیز چون «دانشنامه شعر عاشورایی» از مرضیه محمدزاده - ۱۳۷۶ مجتمع فرهنگی عاشورا - تنها به گردآوری اشعار دو زبان پرداخته است. در زمینه تبیین و نقد دو دفتر شعری، اثری وجود ندارد که در سطحی جامع موضوع را بررسی کرده باشد. در سطح مقالات به تازگی تحقیقات معدودی در داخل کشور درباره شعر جواد جمیل به چاپ رسیده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: «درونمایه مقاومت در شعر جواد جمیل» از کبری روشنفکر در ش ۳، نشریه ادبیات پایداری س ۱۳۸۹، «تحلیل نمادهای شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق» از حامد صدقی س ۱۳۹۳، ش ۳۰، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، «شعر السجون فی الأدب العراقي المعاصر» از محمد صالح شریف عسگری س ۱۴۳۴، ش ۱، مجله دراسات فی العلوم الانسانیة که همگی شعر شاعر عرب را در غیرموضوع عاشورا مورد بررسی قرار داده‌اند. اما شعر عاشورایی شاعر در مقاله «با جواد جمیل در سروده های عاشورایی با تکیه بر دفتر شعری الحسین لغة ثانیة» از نصرالله شاملی که سال ۱۳۹۴ در شماره ۱۲ نشریه ادبیات پایداری چاپ شده است. این مقاله اگرچه دفتر شعری مورد بحث ما را موضوع تحلیل خود قرار داده است، فارغ از نگاه تطبیقی با تمرکز بیشتر بر مضمون و درونمایه های آن در بخش ادبی بر جنبه تصویری و رمزگرایی اشعار شاعر پرداخته است که به هیچ وجه موضوع بحث ما نیست. از معدود آثار تطبیقی بین دو شاعر مقاله ای است با عنوان «حماسه حسینی

در گستره ادبیات تطبیقی» از سیدرضا نجفی چاپ شده در شماره ۱۱ کاوش نامه ادبیات تطبیقی سال ۱۳۹۲ که به صورت کلی به موضوع پرداخته است. هم چنین مقاله بررسی تطبیقی مضامین شعر عاشورایی در شعر وصال شیرازی و جواد جمیل از مالک عبدی در سال ۱۳۹۴ در کنفرانس بین المللی ادبیات و پژوهش های تطبیقی در آن منتشر شده است. مقاله «بررسی عناصر ادبیات پایداری در شعر جواد جمیل و طاهره صفارزاده» از علی رومی پور و همکاران در همایش میراث مشترک ادبیات و فرهنگ فارسی و عربی در حوزه خلیج فارس در بهمن ۱۳۹۵ منتشر شده که در این مقالات نیز تکیه بر مضامین مشترک و متمایز دو شاعر در موضوع عاشورا است و شخصیت را به طور دقیق و مستقل بررسی نکرده است.

۳-۱ روش پژوهش

اساس کار پژوهش بر روش تحلیل محتوا و شیوه توصیفی و تحلیلی داده ها استوار است. از طرفی رویکرد مقابله ای دو اثر در دو زبان مختلف آن را وارد حوزه مطالعات تطبیقی می سازد با این نکته که چون دو اثر تأثیر و تأثیری از یکدیگر نپذیرفته اند، روش مطالعه این پژوهش بر اساس اصول مکتب امریکایی خواهد بود که با گسترده کردن حوزه مطالعات تطبیقی معتقد به امکان آثار مختلف هنری از حوزه های مختلف بدون وجود ارتباط است.

۲. نگاهی به شعر متعهد در عراق و ایران

فضای شعر عراق با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی، خاص است که در نتیجه آن رویکرد شاعران عراقی با توجه به آن جهتگیری می شود.

فلسفه مقاومت در عراق، همان فلسفه ایمانی، انقلابی و آزادسازی است که برپایه جهاد و اندیشه آزادی کشور از اشغال شکل گرفته است. این فلسفه نظریه ای نیست که فردی یا مجموعه ای، طبق قالبی فکری که معیار آن عقل یا حس باشد، آن را پایه گذاری کرده باشد؛ بلکه عقیده ای برای دفاع در مقابل مهاجم از یک سو و رفتاری عملی از سوی دیگر است که دلاوران ضد اشغالگران را پایه ریزی کرده اند (مجیدی، ۱۳۹۱: ۴۲۳).

اگرچه این بیان، وضعیت سیاسی عراق را در دوره معاصر ترسیم می‌کند با توجه به فضای شعری جواد جمیل، نوع مقاومت نیز متفاوت می‌شود و مفهومی ارزشی و دینی به‌خود می‌گیرد. ادبیات عراق، زنده و پویاست که آرزوهای ملت انقلابی خود را در دل دارد؛ ملتی که به آزادی و استقلال چشم دارد و بعد از سالها جهالت و فقر و عقب‌ماندگی، امید دستیابی به علم و آسایش و پیشرفت دارد و در عین حال از گذشته درخشان خود نیز غافل نبوده است (بصری، ۱۹۹۹: ۲۵). عراق به عنوان موطن اصلی حماسه کربلا از آغاز شکل‌گیری این نهضت و در طول تاریخ، شاهد درخشش شاهکارهای شعری بسیاری بوده است. تا آنجا که می‌توان ادعا کرد شعر مقاومت عراق در میان کشورهای عربی، گوی سبقت را در زمینه خلق این گونه آثار از دیگران ربوده است.

در ایران نیز تأثیر عاشورا در شعر دوره‌های مختلف بویژه دوره انقلاب تا به آنجاست که عاشورا و ارزشهای عاشورایی از شاکله‌های محوری شعر انقلاب به‌شمار می‌رود (رحمدل، ۱۳۷۱: ۲۰۵). شعر عاشورایی در دوره معاصر بیش از دیگر موضوعات آیینی در قالب شعر، سیری بالنده و پویا را دنبال کرده است. مقایسه اجمالی سروده‌های عاشورایی معاصر و دوره‌های پیشین نشان می‌دهد علاوه بر تحولات زبانی، که عامل زمان در ایجاد و ضرورت این تحول نقش بسزایی ایفا می‌کند، شاهد تحولات محتوایی و نگرش شاعران به این قیام نیز هستیم؛ از جمله این تحولات پیوند موضوعات حماسی و مسائل دینی با رویکرد حماسی-عرفانی است که در دوره انقلاب اسلامی رخ داد (محدثی، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۶۲). شعر عاشورایی امروز به دلیل تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی و حضور در صحنه‌های شگفتی‌آفرین هشت سال دفاع مقدس از غنای محتوایی چشمگیری برخوردار است. گذشته از تحولات محتوایی، شعر عاشورایی معاصر از نظر زبان و ساختار نیز در دوره انقلاب دچار تغییر و تحول شد.

۳. دو شاعر در عرصه مقاومت

حسینی شاعری است آگاه و متعهد. شعرهایش یکی از بهترین و دلنشین‌ترین شعرهای دفاع مقدس و یکی از زیباترین نمونه‌های تلاش شاعران انقلاب در به‌تصویر کشیدن خون و شرف، عشق و حماسه و ایمان و اعتقاد رزمندگان جبهه‌های حق و عدالت

است (ترابی ۱۳۸۴: ۶۳). یدالله گودرزی درباره سید و آثار وی می‌گوید: «حسن حسینی همیشه در نظر این کمترین، شاعری پویا، مبدع و نوآور بوده است. شاعر و محقق و مترجمی که هر کدام از آثارش، آغاز یک راه تازه است. تأثیرگذاری یکی از مهمترین ویژگیهای آثار حسینی است. حسینی شاعری است که بر مبنای تعهد دینی و مذهبی خود شعر می‌گوید. برای چنین کسی بیان رسالت خویش بر ساختار و فرم سخن برتری دارد (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۳۸۷ به نقل از فرجی: ۲۲)؛ اما از جهت مکتب ادبی، سید در زمره شاعران رمانتیک به شمار می‌آید با این تمایز که «رمانتیسم او، رمانتیسم انقلابی است که هم روح حماسی در آن جریان دارد و هم عرفان و عشق رندانه در آن دیده می‌شود» (معین الدینی، ۱۳۹۱: ۱۷۱)؛ نمونه آن را در مجموعه گنجشک و جبرئیل می‌توان دید که بیشتر شعرهای این دفتر «از ساختار روایت برخوردار است و رمانتیسم آن تلفیقی از حماسه و عشق و عرفان است. این شعرها، نمادها و اسطوره‌ها طبیعت خاص خود را دارد و همه از صبر، پایداری و عشق و جاودانگی حکایت می‌کند» (همان: ۱۷۲)؛

حسن عبدالحمید السنید شاعر مقاومت عراقی، که در عرصه ادبیات با نام مستعار جواد جمیل شهره شد. اولین اشعار خود را در آغاز دهه هفتاد در روزنامه‌ها و مجلات عراقی به چاپ رساند. وی از جمله شاعران پیشگام معاصر و نوآورانی به‌شمار می‌رود که برخی او را یادآور جواهری قلمداد می‌کنند. وی در انجمن‌های ادبی و فرهنگی نیز فردی فعال به‌شمار می‌آید. بارها به دلیل محتوای انقلابی اشعارش به زندان افتاد و پس از آن از انتشار شعرهایش در جراید و مطبوعات عراق، جلوگیری به عمل آمد. وی تا سال ۱۹۸۰ در زندان رژیم بعث به‌سر برد و حتی محکوم به اعدام نیز شد؛ اما به‌دلیل تلاش برخی از افراد نجات یافت و به خارج از عراق رفت تا سال ۲۰۰۳ که به موطن خود بازگشت. وی اولین شعر خود را در سیزده سالگی سروده است. ادبیات معاصر و کلاسیک عرب را خوب می‌داند. دارای مجموعه‌های شعری متعددی است که برخی از اشعارش نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی ترجمه شده است. پژوهشهای چندی درباره اشعار وی تدوین و تألیف شده است (رک: الحسن، ۱۴۱۸: ۲۱۴). بررسی عناوین دفترهای شعری وی، حاکی از روح مقاومت و پایداری است که برخاسته از زندگی شاعر و اندیشه‌های اوست.

شعر مقاومت جواد جمیل، زبان دردها و مظلومیت‌ای مردمی است که قربانی بیداد و استبداد حاکم بر عراق شده‌اند. محتوا و هدف شعر وی در معنای عام آن، سرودن برای آینده‌ای آرمانی و نویددادن پیروزی، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر زشتی‌ها و پلیدیها، اعتراض به سانسور حقایق، جانفشانی در راه سرزمین و احترام به شهیدان و جان باختگان راه آزادی است.

معنی برای جمیل همچون حسینی از ساختار و زبان مهمتر است. او درباره موضوعات شعری خود می‌گوید:

به اعتقاد من، شعر باید قوی، محکم و زنده باشد؛ درهر شکلی که می‌خواهد باشد؛ چراکه برای شاعر، شکل و بنای آن مهم نیست. در شعرم به مسائل انسانی‌های ستم‌دیده و مستضعف می‌پردازم و توجهی ندارم که این انسان کیست و از کجاست (امامی، ۱۳۷۰: ۱۱).

وی به همراه برخی دیگر از شاعران از پیشگامان جریان ادبیات اسلامی به‌شمار می‌رود.

۴. تصویر شخصیت‌های حق و باطل در شعر حسینی و جمیل

حجم وسیع دفتر شعری جمیل باعث شده است تا تصویرشخصیت در اشعار وی از دقت و گسترش بیشتری نسبت به شعر حسینی برخوردار باشد. تعدد قطعه‌های شعری و طولانی بودن اشعار عربی مجال بیشتری برای تصویرپردازی به جمیل بخشیده است. البته این امر در حوزه دیگر موضوعات نیز کاملاً مشهود است. گستردگی کار شاعر عرب در این حوزه چنان است که ده قطعه شعری از عناوین (ابعاد) تنها به تصویر ده شخصیت از سپاهیان باطل اختصاص یافته است؛ آنچه در شعر حسینی بسیار محدود به نظر می‌رسد. به‌رغم این گستردگی شعر عربی، شعر حسینی دارای تنوع در پرداختن به شخصیت‌هاست. برخی از شخصیت‌های مورد توجه وی در شعر جمیل مطرح نشده است. شخصیت سیدالشهداء(ع)، سپاه باطل دشمن، امام زمان(ع) و علی اصغر از جمله شخصیت‌های مشترکی هستند که با تفاوت در میزان در اشعار دو شاعر منعکس شده است. حسینی افزون بر ایشان از امام سجاد(ع)، حضرت زینب (س) و حضرت ابوالفضل(ع) نیز سخن گفته است. نکته قابل توجه اینکه هر دو شاعر معاصر عرب و

ایران با رویکردی متفاوت نسبت به بسیاری از شاعران پیش از خود و یا معاصر، توصیفات ظاهری، ذکر نسب و اوصاف جسمی و خلقی را رها کرده و با نگاه حماسی و انقلابی به شخصیت‌ها - حق - نگریسته و آن بخش از شخصیت ایشان را در اشعارشان منعکس کرده‌اند که در ارتباط مستقیم با انقلاب عاشورا و نه تراژدی عاشورا قرار دارد. این امر بویژه در توصیف شخصیت امام کاملاً مشهود است.

۱-۴ شخصیت امام حسین (ع)

برجسته‌ترین موضوع دو شاعر بویژه جواد جمیل، سخن از امام و ترسیم سیمای انقلابی ایشان است. این برجستگی در ۱۵ قطعه آغازین وی، که تحت عنوان رؤیاها آمده، محسوس است. روحیه جهادی و انقلابی حسینی و جمیل موجب شده است تا دو شاعر به عاشورا حماسی نگاه کنند و به ترسیم بعد مبارزاتی آن پردازند و از سوگساری و ارائه توصیفات حزن انگیز از شخصیت امام و ابعاد مصیبت بار حادثه کربلا پرهیزند و عاشورا را نه فاجعه، بلکه حماسه ببینند؛ نه حماسه که فراتر از حماسه. از این روست که دو شاعر لفظ حماسه را عاجزتر از آن می‌یابند که بتواند امام و عاشورایش را توصیف کند. حسینی با این باور، عظمت امام را به تصویر کشیده است و خطاب به ایشان می‌گوید: تکلیف لفظ ناتوان حماسه/ غیر از سکوت/ در قبال ملکوت نام شما چیست (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۴) و در قطعه‌ای دیگر، ضمن بهره گرفتن از میراث دینی و با کاربرد مفاهیم قرآنی، حماسه امام را بی بدیل و تکرار نشدنی در تاریخ معرفی می‌کند:

تاریخ حماسه‌های بلیغ/ از آوردن یک سوره/ مثل نگاه تو/ تا حشر عاجز است (همان: ۵۰).
 جواد جمیل نیز با چنین نگاهی در کنار به کار بردن واژگان طوفان و گردباد برای توصیف نمادین شخصیت امام، لفظ ملحمه را عاجز از تصویر این حرکت حماسی می‌یابد و امام را نه حماسه که ملیونها حماسه می‌نامد:

و عَلَى وَجْهِ رَمَتْ لُونَهَا الْفُ عَاصِفَةٌ
 هِيَ فِي غُرْبِهَا تَطُوفُ وَ هُوَ مِلْيُونُ مَلْحَمَةٍ

(جمیل، ۱۹۹۶: ۳۳)

اما به‌رغم این نگاه مشترک به موضوع، بررسی اجمالی اشعاری که دو شاعر در ترسیم سیمای امام سروده‌اند، حاکی از گستردگی نگاه جمیل از نظر میزان اشعار و تنوع صفاتی است که برای ایشان می‌آورد. او ابعاد بیشتری از شخصیت امام را برای مخاطب بازگو کرده است. بی‌تردید حجم اندک دفتر شعری حسینی و کوتاهی اشعار او در مقایسه با اشعار جمیل خود یکی از اسباب این تفاوت است. ظلم ستیزی، ذلت ناپذیری، حق طلبی، بیدارگری، مبارزه و مقاومت، امید به آینده از جمله مفاهیمی است که در بیان دو شاعر از امام می‌توان ملاحظه کرد. اوصافی که در پیوند عاشورا با جامعه معاصر و نیازهای آن در شعر دو شاعر بازتاب یافته است. این مفاهیم اغلب به زبان نمادین آمده است و شاعران کمتر به صراحت از آنها سخن گفته‌اند؛ البته با این تمایز که ابهام زبان جمیل بیش از حسینی نمود یافته است.

۴-۱-۱-۱ حسین (ع) ذلت ناپذیر و ظلم ستیز

ظلم ستیزی و ذلت ناپذیری از جمله اوصافی است که مورد نیاز جامعه معاصر و مورد توجه دو شاعر قرار گرفته است. این صفت همان شعار (هیهات منّا الذلّة) امام است که عزّت خود را در برابر دشمن حفظ کرد و هرگز اسیر و تابع خواسته‌های آنان نشد. با این نگاه است که حسینی امام را رها از بندهای ظلم می‌بیند و خیرخواهی ظاهری دیگران را برای سکوت در برابر آن نمی‌پذیرد:

فقط خدا بود که می‌دانست / آن دل دریایی / به کمند پندهای پوسیده / در بند نمی‌آید (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۳).

کاربرد اصطلاحاتی چون «تمرد»، که در دنیای عرب واژه‌ای آشنا در جریان بیداری اسلامی به‌شمار می‌آید و نیز «رفض» از تعبیرهایی است که جمیل در بیان ظلم ستیزی و قیام امام از آن بهره برده است. او از زبان امام سخن می‌گوید و ایشان را آغاز به پاخاستن و تمرد در برابر ظلم می‌نامد که با نپذیرفتن ظلم و ذلت، اندوه و درد ناشی از آن را به‌جان می‌پذیرد. شاعر این امر را ریشه‌دار در اصل پاک و طاهر امام می‌داند که نور وجودشان، تاریکی باطل را برنمی‌تابد: أمضى و لی وَهَجَ الجُذُور/و لی بداياتُ التمرّد،/لی مخاضُ الرّفص (جمیل، ۱۹۹۶: ۴۷).

تمرد و ظلم ستیزی امام چنان است که دوران آشفته را برنمی‌تابد؛ به پا می‌خیزد و موجب دگرگونی و تحول همه چیز در عالم می‌شود:

لأنك غيّرت أشياءها و تمردت في زمنٍ يَتمزق

(همان: ۶۸)

شاعر در تصویر تقابلی دیگری، امام را نقطه مقابل ظلم ترسیم کرده است. نور اندکی که اگر بر تاریکی وارد شود آن را از بین خواهد برد. شاعر دو دست ایشان را بمانند دو چشمه به تصویر می‌کشد: یکی سرچشمه مقاومت و ظلم ستیزی و دیگری منبع قداست و ارتباط با خداست؛ یکی رابطه انسان را با بشر بنا می‌کند و دیگری اساس رابطه انسان با خداست:

كان نقطة من الضوء / على نافذة الغُش / وقبضتاه/نبعان من رفض ومن صلاة! (همان: ۱۲۵)
از نگاه جواد جمیل، امام نه تنها خود حاضر به پذیرش ظلم و ذلت نبوده، بلکه از آه انسانهای خسته از ظلم و سیاهیهای روزگار، مویه و سرودی آمیخته با طغیان بر ضد ظلم سر می‌دهد و ظلم ستیزی را به دیگران نیز می‌آموزد:
إنني أبتني خيمة لجراحي، / وأعزف من آهة المتعبين، / مواويل منقوعة بالتمرد (همان: ۲۹).

۴-۱-۲ حسین (ع) مبارز و مقاوم

از دیگر ابعاد حماسی شخصیت امام، تصویر جنبه مبارزاتی و مقاومت ایشان در برابر ظالمان است که مورد توجه هر دو شاعر قرار گرفته است. این مفهوم را در شعر جمیل می‌توان در قالب نمادهایی چون «عاصفه»، «برکان»، «جبل»، «سکین» و... یافت که متعدد به کار رفته است. حسینی با تعابیر قرآنی و استفاده از واژگان دینی، تصویر مقاوم امام را بر فراز نی مجسم کرده است که هرگز دشمن قادر به درهم شکستن آن نیست:
برچکاد چوب و آهن / تو آن ترنم لاریبی / که تازیانه تحریف / هرگز به گرد صراحت نمی-
رسد (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۰).

کاربرد نماد «فریاد» در کنار توصیف آن به «بلند» تعبیر دیگری است که در شعر حسینی، مقاوم و مبارز بودن امام را بیان می‌کند. صفتی که شاعر ایشان را معلم آن می‌داند. این بیان در مقابل سکوت به کار رفته که نماد خفقان و جامعه مرده و بی‌تکاپوست و روحیه ایستادگی و مبارزه در آن وجود ندارد:

اگر گلی تو نبود/ عقل این حنجره/ هرگز به فریادهای بلند/ قد نمی داد (همان: ۲۱).
از بارزترین نمادهایی که بر مفهوم مقاومت و استواری دلالت می‌کند، کاربرد نماد کوه است. شاعر، نهضت عاشورای امام را پس از شهادت ایشان شکست خورده و ابتر نمی‌بیند؛ از این روست که امام را پس از شهادت مقاوم و با صلابت بر فراز نیزه به تصویر می‌کشد:

قد توکأت یا جبَل / فوق رُمحٍ محطَم (جمیل، ۱۹۹۶: ۳۵).

طوفانهای خاکستری، تعبیرنمادین مرکب دیگری است که در کلام جمیل بیانگر جنبه مبارزه و حرکت‌سازی امام است؛ طوفانی که با توجه به کاربرد خاکستر به‌رغم خاموشی و آرامش کنونی آن، مهیای آتشی دوباره است؛ آتش مبارزه‌ای که بر غلاف شمشیر امام آرام گرفته است:

عاصفات رمادیّة سکنت غمد سیفی (همان: ۳۷).

آتش‌فشان و آتش زیر خاکستر بودن، که حرکت را در خود نهان دارد، نیز تعبیری نزدیک به خاکستر است. البته در کاربردهای شاعر، امام نه در زمان خود که مبارزه و جهاد را برای دوران پس از خود به ودیعه نهاده است:

و بجرح الحُسين نبعٌ یغنی و برؤیاه یختفی بُرکان

(همان: ۸۱)

«سکین» نیز دیگر نمادی است که بخوبی بیانگر مفهوم مبارزه است. شاعر در این قطعه نیز همچون تعبیر قبل، مفهوم را پس از شهادت امام در تداوم می‌بیند که درس مبارزه و جهاد را به دیگر ملت‌های جهان می‌آموزد:

فانتی ما زلتُ منذ رحلتی / أطوفُ فی مُدنٍ مَسکونةٍ/ دون سواها بالسَّکاکین و بالسُّیوف

(همان: ۱۳۷).

۴-۱-۳ حسین(ع)، امام بیدارگر و احیاگر

در موارد پیشین شاعران تلاش کرده بودند تا به‌صورت ضمنی نشان دهند نهضت امام منحصر در کربلا و عاشورای ۶۱ هجری نمانده و با تداوم در دوران معاصر، الهامبخش ملت‌های مظلوم و آزادیخواه جهان شده است؛ اما گاه این تعبیر به‌صورت صریح‌تر در

اشعار دو شاعر به کار رفته است. حسینی صریحاً امام را چنین خطاب قرار می‌دهد:

در کتاب ابدی / شرح منظومه بیداری ما را بنویس (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۲)

و یا با سبک برجسته خود در کاربرد تعبیرات دینی و قرآنی، و در پیوندی با جامعه معاصر، امام را معلم مردمان روزگار خود معرفی می‌کند که شیوه حماسه‌آفرینی و مقاومت را به تأسی از مقتدا و ولی خود در پیش گرفته‌اند:

اینک قاریان قبیله من / تارهای صوتی خود را / به روایت تو / شانه می‌زنند / ای معلم سوم (همان: ۵۰).

شاعر هم‌چنین در تعبیر دیگری، امام را احیاگر سنتهای دینی و دگرگون‌کننده مفهوم تحریف شده از قرآن در روزگارش توصیف می‌کند:

گلوی تو طرح تازه‌ای کشید / بدان گونه / که بنای واژگونه تنزیل / از اساس / متزلزل شد (همان: ۸۴).

در شعر جمیل بیدارگری و احیاگری امام به زبان دیگری بیان می‌شود. شاعر قلبهای مرده و زنگار بسته‌ای را به تصویر می‌کشد که در نتیجه غفلت و نیازدگی نیازمند حماسه‌ای چون عاشورا هستند تا از بی‌حرکتی و رخوت‌رهایی یابند. از این روست که شاعر صدای امام، همان پیام نهضت امام را که از پی‌قرنها می‌گذرد و به گوش مردمان امروز می‌رسد، بیدارگر و احیاگر قلبها می‌داند:

یومها کان صَوْتُ الْحُسَيْنِ / يَهْزُ الْقُلُوبَ الصَّدِيقَةَ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۴)

و یا از بیداری مردگان غافل توسط امام سخن می‌گوید، دمیدن روح حیات در کالبد انسانهایی که در نتیجه غفلت و بی‌خبری مردگانی بیش نیستند:

و ابدئی، فالحسینُ قد أيقظَ الموتی، / و ناغی الأسی، و مسَّ الذَّهولاً! (همان: ۹۲).

از این روست که شاعر خطاب به امام می‌خواهد تا به آنها نیز کلمه‌ای بیاموزد که به واسطه آن همچون او مردگان عصر خود را به حرکت وادارد و آگاه سازد. بیدار کردن غافلان مرده‌نما از زندگی دوباره و حرکت و پویایی ایشان حکایت دارد:

أسمعینا کلمةً.. نُوقِظُ بِهَا الموتی، / وَنُطْعِمُهَا الجِیاعاً / أسمعینا کلمةً واحدةً منه، / وَإِنْ کانت وداعاً! (همان: ۴۱).

این تأثیرگذاری در صورت دیگری نیز بیان می‌شود. جمیل با تصویر لبان امام، که پیام رسان آزادی و مبارزه و مقاومت در طول تاریخ است از زبان خود امام، خشم و خروش نهفته در پیام ایشان را بیدارکننده زندگان مرده از ظلم و جور و بی‌خبری ترسیم می‌کند. کاربرد واژگان «لب، صدا، کلمه» نشان از انتخاب دقیق و بجای شاعر دارد:

شَفَتِي عَالَمٌ مِنَ الْغَضَبِ الْمَصْلُوبِ / مَسَّ الْمَوْتِي / فَهَبْتُ غَضَابًا (همان: ۴۲).

بی‌تردید کسانی که با روند ادبیات آیینی دوره‌های مختلف ادبی و ویژگی‌های زبانی آنها آشنا هستند بخوبی می‌توانند از توصیفات دو شاعر درباره امام رویکرد نوین و متفاوت و در عین حال حماسی آنها را به عاشورا دریابند.

۴-۱-۴ امام امید و ملجأ آیندگان

شعر، زبانی است که شاعر در آن آرمانها و آرزوهای خود را به تصویر می‌کشد و از طرفی بیانگر نیازهای او و جامعه اوست. آینده‌ای که شاعران معاصر در اوضاع سخت روزگار خود در قالب شعر ترسیم می‌کنند، نه برخاسته از واقعیت جامعه آنان، بلکه امیدهای آنها به تحققشان در آینده است. حادثه عاشورا چنان در تاریخ بشریت تأثیرگذار بوده و موجب تحول و دگرگونی انسانها در طول زمانهای متمادی شده است که شاعران معاصر نیز با توجه به آن و در روزگار دشوار خود امیدوارند در صورت تأسی به عاشورا و گرفتن درسهای آن، همان تحولات را در جامعه خود نیز شاهد باشند. نماد «باب» در شعر حسینی بیانگر همین معناست. او با گریز به تاریخ، جامعه عصر امام را تاریک و ظلمانی ترسیم می‌کند که کسی در فضای آن به روشنی و رهایی امید ندارد؛ اما واقعه عاشورا این آرزوی بشریت را در رهایی از ظلم محقق کرد:

هیچ مردمکی تکلیف روشنی را پیش بینی نمی‌کرد/ تا اینکه در کتاب بصیرت/ رو به آفاق اشراق/ آن نگاه دوربرد/ باب روشنی گشود (ص ۷۰).

جمیل نیز با این نگاه فرازمانی معتقد است خون سید الشهداء دروازه‌ای رو به آینده باز خواهد کرد که زمان در آن معنا ندارد. شاعر در پیوند عاشورا به وضعیت معاصر خود با کاربرد نماد جنگل، که بیانگر جامعه‌ای گرفتار ظلم و ستم و اختناق است، عاشورا را نقطه رهایی انسان از چنین فضایی ترسیم می‌کند؛ چنانکه وجود دروازه نیز خود روزنه رو به آزادی را در ذهن تداعی می‌کند:

و من یدری لعل دمی / سیفتیح ألف بؤایة / یضیع وراءها زمن / وتصلب خلفها غابة (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۵۶).

از نگاه حسینی نیز این نهضت آزادیبخش، به تاریخ و جغرافیای کربلا منحصر نیست؛ بلکه برای تمام زمانها و مکانها قابل اجراست. هرکس در طول تاریخ به امام عاشورا اقتدا کند، آینده‌اش روشنی و رهایی است. صبح و رها شدن از تاریکی شب در شعر معاصر، نماد آزادی و رهایی از ظلم و ستم است:

مردی که صبح را همگانی کرد (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۵)

این نماد در شعر جمیل نیز بارها به کار رفته است. بیدار شدن صبح، که بیانگر روشنایی حیات و بیداری و رهایی از تاریکی شب ظلم است، نیز تصویری صریح از این بیان است. حیاتی که صدای امام یعنی همان پیام نهضت ایشان، منادی آن است:

یوقظُ الصبحُ صوتهُ، یشرِبُ الوردُ / حکایه، ترتدیه الجدول (جمیل، ۱۹۹۶: ۹۳)

و یا به صراحت از یأس و ناامیدی خود سخن می‌گوید و نور وجود امامی که روزنه‌های امید به آینده را به روی او باز می‌کند:

بالأمسِ أغلقتنی یأسی وغادرنی لونی، فهل جئت ضوءاً تفتح الأمل

(همان: ۹)

حضور امام در دوران حاضر نیز در شعر دو شاعر به زبانهای مختلف بیان شده است. حسینی با کاربرد تصویر قرآنی، ترنم ندای ملکوتی و خدایی امام حسین (ع) را در دوره خود به گوش جان می‌شنود:

هنوز رسا و بلندی / الف، لام، میم (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۱)

جمیل نیز در تعبیر زیر به گونه‌ای دیگر حیات و جاودانگی امام را به تصویر می‌کشد. در باور او هنوز خون در رگ‌های بریده امام جریان دارد و همچنان نبض حیات در آن می‌تپد:

لم یزل فی وریدِ الحسینِ المقطّعِ نبضُ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۵)

شاعر امام را زنده تاریخ می‌داند در امتداد خون و نور. او زخم جامعه خود را به یاد می‌آورد و در تعامل با گذشته تاریخ کشور خود از امام می‌خواهد تا همراهی با روشنایی حقیقت و رسیدن به رهایی را به آنها بیاموزد:

هو وحده الممتدّ بين الضوء و الدم/ يا أيها الممتدّ بين جراحنا و الأمس / علّما الرحيل مع النهار
(همان: ۱۴۶).

۴-۱-۵ رویکرد عاشقانه در تصویر سیمای امام

بررسی شعر عاشورایی معاصر در زبان عربی و فارسی، نشان می‌دهد نگاه عارفانه و عاشقانه به عاشورا و شخصیت‌ها و حوادث آن یکی از نمودهای بارز شعر عاشورایی فارسی است که در گذشته این زبان نیز سابقه داشته است. برجسته‌ترین پیشگامان این نوع نگاه به عاشورا، شاعرانی چون مولوی در مثنوی و عمان سامانی در «گنجینه الأسرار» و نیز فؤاد کرمانی و ریاضی یزدی به شمار می‌آیند. به‌رغم حضور این مفهوم در شعر عربی، گرایش شاعران ایرانی بدان برجسته‌تر و پررنگ‌تر از شعر عربی است و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در نوع نگاه و تعبیر شاعران دو زبان دیده می‌شود (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۵۳۶).

بررسی دو مجموعه عاشورایی حسینی و جمیل نیز از این رویکرد خالی نیست و با وجود مباحث مقدماتی در شعر عربی جلوه بیشتری یافته است. حسینی در اسلوب خطاب‌ی به امام، عشق ایشان را به نقطه‌ای الهی و عرفانی پیوند می‌زند:
آه! ای عالم ربانی عشق (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۲)

جمیل ضمن توصیف امام به صفت عشق از دو نماد صحرا و دریا نیز در ترسیم تصویر خود بهره می‌گیرد. در شعر شاعر دریا، سمبل پویایی و زندگی در تقابل با بیابان، که نماد بی‌برگی و خشکی و هلاکت است، به‌کار گرفته شده است. شاعر امام را پس از شهادتش، منبع حیات می‌داند که عاشقانه آن را به دیگران می‌بخشد:

و هذه الصحراء/ تعرف أنّي عاشق/ يخبّي البحار في تابوته (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۵۳)

گذشته از این بیان صریح دو شاعر در اشعار جمیل تعبیر نمادینی چون شمع و پروانه را می‌یابیم که در ادبیات فارسی سمبل دلباختگی و عشق و فداکاری است. در قطعه زیر شاعر چهره امام را بسان پروانه‌ای مجسم می‌کند که خود درد و عذاب را متحمل می‌شود تا هادی دیگران باشد:

خطوته تطارد الغياب/ ووجهه فراشة / حطّت علی بوابة العذاب (همان: ۲۶).

جمیل هم‌چنین در تصویر حماسی و انقلابی دیگری امام را شمعی روشنی بخش مجسم می‌کند که منادی حیات دوباره پس از سوختن است؛ حیاتی که در نتیجه مبارزه و جهاد حاصل می‌شود:

لکنه شمعۃ / فماذا تبوح النار / یکتب بالسکین / میلاده المخنوق (همان: ۱۳۰).

۴-۲ امام زمان (ع) و انتظار در شعر حسینی و جمیل

نگاه به آینده و آرمانگرایی دو شاعر موجب شده است امام غائب منتظر، هر چند اندک، یکی از شخصیت‌های حاضر در زبان آنها باشد. از سوی دیگر مفهوم انتظار از جمله موضوعات در پیوند با امام زمان است که در شعر جمیل و حسینی بازتاب داشته است. حسینی در قطعه شعری پنجم، که آن را « زیارت نواحی مقدسه » نامیده است، ضمن تلمیح به زیارت ناحیه مقدسه نقل شده از امام زمان (ع)، شخصیت ایشان را در ذهن خواننده خود مجسم می‌کند و در همین قطعه نگاهی متفاوت از مفهوم انتظار نسبت به جمیل ارائه می‌کند:

باید برخیزم / و رو به اقیانوس انتظار / شمایل امروزینت را / از دیوار بوسه بیاویزم /
 (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲).

انتظار در نگاه حسینی حرکت‌زا و منشأ زندگی و هستی است؛ نه دردناک و رنج‌آور. ترکیب نمادین «اقیانوس انتظار» بخوبی بیانگر تمایز آن با ترکیب «صلیب انتظار» است. او هم‌چنین در قطعه «گنج در دیوار» زمانی، که با مرور گذشته تاریخ سرخ تشیع از شهادت محمد بن ابراهیم معروف به دیباج اصفر سخن می‌گوید، خطاب به این شهید او را به ایستادگی در برابر دشمن و مبارزه و شکستن حصارها دعوت می‌کند؛ چرا که معتقد است امامی که از او تعبیر به خورشید رافضی کرده در انتظار این مبارزه و جهاد است:

بر ازدها بتاز / دیوار را بکوب / خورشید رافضی / در انتظار توست (همان: ۴۴).

جواد جمیل در آغاز دفتر شعری خود از این حضور سخن می‌گوید. او اندوهی را ترسیم می‌کند که خفته و پایاست؛ درد غیبت و نبود امامی که هنوز ردای غیبت بر تن دارد. استفاده از مفهوم نمادین سبز برای امام و دلالت آن بر مفهوم حیات و زندگی و

تقدس و امید حاکی از نوع نگاه شاعر است. ستاری درباره رنگ سبز می‌گوید: «رنگ سبز، نویدبخش تجدید حیات و نوشدگی زندگی است» (ستاری، ۱۳۷۲: ۳۴).

لأنَّ أَلَمَ مَا زَالَتْ خَائِفَةٌ / وَالْأَخْضَرَ الَّذِي ارْتَدَى الْغِيَابَ / لَمْ يَعُدْ بَعْدَ

به رغم این تصویر، او در عبارتی دیگر در اشاره به مفهوم انتظار، حال خود را در انتظار برای رهایی و آزادی همراه با درد و اندوه و رنج توصیف می‌کند. در این تصویر نیز شاعر با کمک گرفتن از نماد صلیب و به صلیب کشیده شدن، مفهوم مورد نظر خود را در تحمل اوضاع سخت روزگار به مخاطب منتقل می‌سازد:

عَلَمْنَا الرَّحِيلَ مَعَ النَّهَارِ / وَجَعٌ وَنَحْنُ مُسْمَرُونَ / عَلَى صَلِيبِ الْإِنْتِظَارِ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۹).

۴-۳ سیمای علی اصغر(ع)

از دیگر شخصیت‌های حاضر در کربلا، که مورد توجه دو شاعر قرار گرفته است و هر دو از آن سخن گفته‌اند، طفل شیرخوار کربلاست که در شعر حسینی انعکاس کمرنگتری در مقایسه با شعر جمیل داشته است. از دیگر تمایزات حسینی در تصویر این کودک، رویکرد کاملاً نمادین وی است، در حالی که تعبیر جواد جمیل در سخن از این کودک، اغلب به زبان صریح آمده است، اگرچه کلام وی خالی از نماد نیز نیست. کاربرد صریح واژه «طفل» اشاره مستقیمی است به مقصود شاعر در حالی که شعر حسینی خالی از این صراحت‌گویی است. حسینی در دو قسمت از دفتر شعری «گنجشک و جبرئیل» به طفل امام اشاره می‌کند و در هر دو بار نیز صحنه شهادت کودک را ترسیم می‌کند: نخست در قطعه سوم با عنوان «سرنوشت آفتابی» با کاربرد مناسب و بجای کلمات، عظمت این کوچک حاضر در کربلا را در قیاس با کهکشانها قرار می‌دهد که چنین آماج تیر دشمن قرار می‌گیرد:

و با سه شعله / گلوگاه راه شیری شکافت (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴).

او بار دیگر در قطعه «منطق سیال» در تصویری تفصیلی با استفاده از واژگانی چون «گلو، ترد، سه شعله» شخصیت مورد نظر خود را به زبان رمز تصویر می‌کند:

فلسفه نمی‌بافم / سخن از گلوی تردی است / که صادقانه / بر فراز منبر آمد / و بلاغت را به عرش رساند / به روایتی صادق و صمیمی: / استثنایی بزرگ / در تاریخ فوران / سیلانی بی سقوط / فریادی متصاعد / که با سه شعله زبانه کشید (همان: ۵۶).

از نگاه شاعر، شهادت این کودک به بهترین شکل بیانگر حماسه عاشورا و حقانیت امام است. او در ادامه واقع شدن این حادثه را استثنایی بزرگ در تاریخ بشریت می نامد. کاربرد ترکیبات و عباراتی چون: « تاریخ فوران، سیلانی بی سقوط، فریادی متصاعد» بخوبی بیانگر نگاه حماسی و انقلابی شاعر به صحنه شهادت است. اگرچه بی گناه بودن و معصومیت و شهادت مظلومانه از جمله مفاهیم مرتبط با این شخصیت است و شهادت با چنین حالتی حزن انگیز و دردآور است، رویکرد حسینی در ورای این صحنه، زبانه های آتش قیام و انقلابی را شعله ور دیده و آن را در قالب واژگان خود جاری کرده است؛ لذا تصویر وی از عاطفه حزن و اندوه و رثای صرف خالی است و این خود یکی از تمایزات دیگر حسینی در رویکرد شعری است؛ حال اینکه در زبان و سبک بیان جواد جمیل در کنار این بیان حماسی شاهد حضور عاطفه رثایی و بیان درد و اندوه هستیم.

اگر حسینی کودک امام را فریادی بلیغ و رسا می بیند که بیانگر حقانیت امام است، جمیل شیرخواره را کلامی جریح و زخمی ترسیم می کند که چهره سیاه دشمن و وجود تاریک و مستبد را فرو ریخته است و آشکار می کند و خود آرامش و سکون را به ارمغان می آورد:

وَجْهٌ طِفْلِي كَلَامٌ جَرِيحٌ
 وَ رُؤْي كَرَكْرَتْ فِي رُذَازِ الْوُضُوءِ
 الصَّحَارَى انْهِيَارٌ... وَ لَيْلٌ وَ رِيحٌ
 وَ هُوَ بَيْنِي الْهُدُوءِ (جمیل، ۱۹۹۶: ۲۴)
 و یا در این عبارت شاعر که از زبان امام روایت می کند:
 مَنْ يَمْنَحُ الطِّفْلَا / قَطْرَةَ مَاءٍ مَرَّةً
 مَنْ يَمْنَحُ الطِّفْلَا
 فَلَيْسَ فِي خِيَمَتِنَا شَيْءٌ
 سِوَى جَنَائِزِ الْقَتْلَى (همان: ۵۷).

خواننده در این تصویر، که امام را در حال طلب آب برای کودک خود ترسیم کرده است، اثری از نگاه حماسی نمی یابد. تصویر شعری بیشتر بعد مظلومیت و دادخواهی

امام را تداعی می‌کند؛ اما از جمله تصاویر شعری جمیل، که خالی از این نوع عاطفه حزن‌انگیز است و نوید آینده روشن را به مخاطب می‌دهد، تصویر گنجشک‌کان آبی است که از زمان شهادت امام متولد می‌شوند و بر پیکر کودکش بوسه می‌زند:

ستولذ ساعة ذبحی

عصافیر ماء عرایا

تقبّل جثّة طفلی القتیل

و تغمّرها بالرؤی و الحکایا (همان: ۱۲۹).

گنجشک در زبان معاصر، نماد تداوم حیات تلقی شده است. از طرفی آب نیز خود مظهر حیات و هستی است. شاعر با استفاده از این نمادها به دنبال بیان حضور جاودانه امام در هستی پس از شهادت است. این پرنده حیات بر پیکر کودک شهید امام نیز بوسه زده و او را نیز جاودانه ساخته است.

۴-۵ سیمای باطل در شعر جمیل و حسینی

تقابل خیر و شر، خوبی و بدی، دوست و دشمن، حق و باطل از جمله مظاهری است که همواره حضور یکی دیگری را در ذهن تداعی می‌کند. از این روست که سخن گفتن از جبهه حق در کربلا، جبهه باطل را نیز در کلام شاعران حاضر می‌سازد. انعکاس جبهه باطل در شعر حسینی و جمیل در غالب موارد با توجه به سبک زبانی دو شاعر در قالب نماد به کار رفته است. آنها در بیشتر قطعات از تصریح کردن به نام ضد قهرمانان عاشورا ابا کرده‌اند. برخی از نمادهای دو شاعر در توصیف باطل مشترک، و برخی از آنها نیز به یک شاعر منحصر است.

بررسی میزان حضور شخصیت‌های باطل در شعر دو شاعر، حاکی از پیشگامی جمیل بر حسینی است. گذشته از حجم دو دفتر شعری، نگاه مستقل جمیل در ترسیم چهره برخی از شخصیت‌ها نیز در این پیشگامی تأثیرگذار بوده است. وی افزون بر مواردی که در ضمن دیگر قطعات شعری خود به تصویر دشمنان امام و سپاهیان باطل پرداخته، بخش « ابعاد » را که شامل ده قطعه شعر در قالب نو و کلاسیک است به تصویر چهره حقیقی این جبهه اختصاص داده است. در بخش ضمنی هر دو شاعر با به کار بردن نماد به تصویر چهره دشمن پرداخته‌اند. نمادهای شب، گرگ، کویر و بیابان

و علف از جمله نمادهای مشترک دو شاعر است. هول و هراس و تاریکی و سکوت شب، تداعی کننده جامعه‌ای پرخفقان و پرارعاب است که امید به طلوع صبح آزادی و رهایی پس از آن وجود دارد:

شب/ چهار نعل می تاخت (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۴)

مَنْ قَالَ إِنَّ اللَّيْلَ / قد دَفَنَ الوَادِي؟ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۳۱)

درندگی و وحشیگری گرگ نیز از جمله اوصافی است که موجب شده است تا شاعر آن را در بیان صفات دشمنان امام استفاده کند:

دندان براق گرگها/ در نرمینه دلت / افول می کرد (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۹۹)

كَانَتْ فِي شَبَابِكِ النَّهَارِ / ذُبَّةَ (جمیل، ۱۹۹۶: ۷۷)

تعبیر علف نیز بیانگر خشکی و بی حاصلی وجودی دشمنان است که حسینی از دلالت نمادین آنها برای تصویر مقصود خود استفاده کرده است:

علف/ افسانه‌های هرزه می گفت (ص: ۲۱)

و یا در ترسیم صحنه اسارت خاندان اهل بیت می گوید:

در پرچینی از علف/ تلف می‌شد (همان: ۵۸)

البته این نماد در شعر جمیل در توصیف ناامیدی به‌کار رفته است:

لَبَقِيَ نَحْوُكَ الدُّمُوعَ / وَ نَحْصَدُ عُشْبَ الْكَآبَةِ (جمیل، ۱۹۹۶: ۶۴)

توجه شاعر به تاریخ و استفاده از نمادهای تاریخی چون نمرود و ابوسفیان نیز از جمله ویژگیهای سبک زبانی حسینی است که در ترسیم سیمای دشمن از آنها استفاده کرده است:

یک شب ابوسفیان خم شد/ شما پا برکوهان جاهلیت نهادید (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۷)

در مجمر نمرود/ سپیدی شدیم/ و بوی توحید/ در مشام تاریخ/ زبانه کشید (همان: ۳۱)

از جمله نمادهای منحصر به جمیل، استفاده از تعبیر چشمهایی است که رؤیاهای آن خرافه است و ملخان در آن سکنی گزیده‌اند:

يَا عُيُوناً خُرَافِيَةَ الْحُلُمِ، مَسْكُونَةً بِالْجَرَادِ / أَطْفَى فِي الرَّبِيعِ قَنَادِيلَهُ (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۳۹).

ستاری معتقد است «چشم دریچه جانست و روح از آن دریچه عالم ملکوت را می‌بیند» (ستاری، ۱۳۷۲: ۱۳۶) و ملخ نماد و سمبل انسانهای اهل ریا و تملق است. از این

رو شاعر با استفاده از دو تعبیر نمادین، شخصیت و صفات جبهه باطل را بخوبی ترسیم می‌کند.

اما بخش ابعاد در دفتر جمیل، بعد ثابت در توصیف سپاهیان و مردانی است که با عناد و دشمنی به جنگ با امام برخاستند؛ بعد متغیر در توصیف حربن‌یزید ریاحی از فرماندهان سپاه اموی که در لحظات پایانی به سپاه امام پیوست؛ بعد ترسان که به ترسیم چهره عبدالله جعفری می‌پردازد که قبل از حادثه کربلا امام حسین(ع) را دید و از بیم مرگ دعوت امام را نپذیرفت و پیش از فرار اسب و شمشیرش را به امام بخشید؛ اما امام آنها را نپذیرفت. بعد سپاه در توصیف شمر بن ذی‌الجوشن؛ بعد خیالی در تصویر سیمای عمر بن سعد فرمانده سپاه اموی که رؤیای ولایت و حکومت ری را پس از کشتن حسین(ع) داشت، بعد زشت در توصیف مالک بن نسر، مردی که امام را دشنام داد و در حال احتضار با نیزه ایشان را مجروح ساخت؛ بعد خاکستری در توصیف شبت‌بن‌ربعی، که با امام بیعت کرد و سپس پیمان خود را شکست و یکی از فرماندهان سپاه دشمن شد؛ بعد خونین در ترسیم چهره حرمله بن کاهل، کسی که شیرخواره امام را هدف تیر قرار داد و او را از گلو ذبح کرد؛ بعد سپاه در توصیف سنان بن‌انس که سر کشته شدگان کربلا را به کوفه برد؛ بعد مجنون در ترسیم سیمای سپاهیان اموی که بعد از کشتن امام احساس شکست کردند. جمیل در غالب این قطعات شعری به تفصیل و با جزئیات به ترسیم وضعیت این شخصیت‌ها پس از حادثه عاشورا پرداخته است؛ به عنوان مثال شاعر در بعد خائف با تصویرپردازی مناسب با موضوع به ترسیم چهره عبدالله جعفری می‌پردازد. شاعری که پیش از وقوع عاشورا در راه با امام روبه‌رو شد و امام شخصاً به خیمه او رفت و از وی طلب یاری کرد؛ اما او همراهی امام را نپذیرفت و پس از آن دچار حسرت و پشیمانی شد تا آنجا که برخی از مورخان (ابن‌الاثیر، ۱۹۶۵: ۵۱/ ۴، طبری، ۱۴۰۹: ۳۰۷/ ۴) او را اولین زائر و مرثیه‌سرای امام حسین(ع) معرفی می‌کنند. جمیل این قطعه یازده بیتی را، که در قالب کلاسیک سروده شده است به سه بخش تقسیم می‌کند. در بخش نخستین از زبان شخصیت به بیان بیم و ترسهای او پرداخته است. آن‌گاه در بخش دوم رویارویی او را با امام و جریان حوادث را به اجمال توصیف می‌کند. بخش پایانی نیز بیان‌کننده حسرت و در نتیجه ناله و اندوه وی است. واژگانی

چون: «أخشی، الذعر، الرجف، الخوف، ذاهل، هرب، صحراء، غربه، و...» از جمله واژگان محوری شاعر در توصیف این شخصیت به‌شمار می‌رود.

جمیل در بیان ابعاد شخصیتی حر نیز در یک سیر زیبا به‌جریان پیوستن حر بن‌یزید ریاحی از فرماندهان سپاه اموی به خیل یاران امام می‌پردازد. شاعر ابتدا از زبان حر و به‌طور مستقیم به معرفی شخصیت امام می‌پردازد. آن‌گاه با خطاب به خود وارد بخش دوم می‌شود، و سیمای حر را برای مخاطب ترسیم می‌کند. تقابل وجود حر و امام موجب می‌شود تا حیرت و سرگردانی و شک و تردید در جان حر رخنه کند و در واژگان و ساختهای نحوی بخش سوّم نیز نمودار شود؛ اما سرانجام این امام است که حر را از وادی تحیر رهانیده است و به وادی نور و هدایت رهنمون می‌شود تا پیروزی و شهادت نصیب او گردد. شعر از وحدت و انسجام در مضمون و عاطفه برخوردار بوده است و با پیمودن روندی منطقی از آغاز تا پایان قصیده، تصویری کلی از مسیر تحول و دگرگونی حر را نشان می‌دهد؛ تصویری کلی که جزئیات تصویرها نیز در ارتباطی هماهنگ بنای کلی اثر را شکل داده‌است.

نتیجه

بررسی مضمونهای شعری دو دفتر شعری نشان می‌دهد اگرچه آنها اشتراکات محتوایی دارد، اما مجموعه شعر عربی از وسعت دید بیشتری برخوردار، و موضوعات آن دارای تعدّد و تنوع است. وجود رنگ حزن و اندوه در اشعار شاعر عرب از جمله ویژگیهای دیگری است که هر چند اندک، اثر جمیل را از حسینی متمایز می‌سازد که گاه آشکارا از آن سخن می‌گوید. بررسی تصویرپردازی دو شاعر از شخصیت‌های عاشورایی نشان می‌دهد شخصیت امام به‌عنوان قهرمان اصلی حماسه کربلا بیش از هر شخصیتی پرداخته شده است و هردو سیمایی انقلابی و حماسی از امام ترسیم و از ارائه توصیفات حزن‌انگیز درباره ایشان پرهیز می‌کنند؛ اما در این میان گستردگی نگاه جمیل از نظر میزان اشعار و تنوع صفاتی است که برای امام می‌آورد. قابل توجه است او ابعاد بیشتری از شخصیت امام را برای مخاطب خود بازگو کرده است که البته تفاوت حجمی دو دفتر شعری در این امر بی‌تأثیر نیست. اغلب تصویرپردازیهای دو شاعر به زبان نمادین آمده و کمتر به صراحت از آنها سخن گفته شده است. هردو نگاهی فرازمانی به شخصیت امام دارند و حضور ایشان را در تحولات جامعه خود به تصویر

می‌کشند. هرچند نگاه عارفانه و عاشقانه به عاشورا، شخصیت‌ها و حوادث آن یکی از نمودهای بارز شعر عاشورایی فارسی به‌شمار می‌آید. در شعر عربی جواد جمیل جلوه بیشتری یافته است.

امام غائب منتظر، یکی دیگر از شخصیت‌های حاضر هر چند اندک در شعر دو شاعر است و در پی آن، مفهوم انتظار نیز از موضوعاتی است که در پیوند با امام زمان و در شعر جمیل و حسینی بازتاب داشته است با این تفاوت که انتظار در نگاه حسینی حرکت‌زا و منشأ زندگی و هستی است؛ نه دردناک و رنج‌آور اما جمیل گاه انتظار برای رهایی و آزادی را همراه با درد و اندوه و رنج توصیف می‌کند.

از دیگر شخصیت‌های حاضر در کربلا، که مورد توجه دو شاعر قرار گرفته است و هر دو از آن سخن گفته‌اند، طفل شیرخوار کربلاست که در شعر حسینی انعکاس کمرنگتری در مقایسه با شعر جمیل دارد. از تمایزات شعر حسینی در تصویر این کودک، رویکرد کاملاً نمادین وی است در حالی که تعبیر جواد جمیل در سخن از این کودک، اغلب به زبان صریح آمده و نیز نگاه جمیل به علی اصغر با حزن و اندوه آمیخته است.

جبهه باطل نیز به‌صورت نمادین و بدون تصریح به‌نام ضد قهرمانان در شعر حسینی و جمیل به تصویر کشیده شده است که برخی از نمادهای دو شاعر، مشترک و برخی به یک شاعر منحصر است. هم‌چنین حضور این شخصیت‌ها در شعر جمیل برجسته‌تر از حسینی است.

حضور متنوع شخصیت‌های عاشورایی در شعر حسینی از جمله تمایزات او در این حوزه نسبت به جمیل است. سه شخصیت امام سجاد(ع)، حضرت زینب (س)، حضرت ابوالفضل(ع) از شخصیت‌هایی هستند که تنها در شعر حسینی بازتاب داشته است. ویژگی برجسته شاعر، رویکرد کاملاً حماسی و انقلابی وی به آنهاست.

منابع

- ابن الأثیر، عزالدین علی بن ابی‌الکرم؛ **الکامل فی التاریخ**؛ راجعه محمد یوسف الدقاق، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۶۵.
- امامی، صابر؛ **سائسور شده‌ها**؛ تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

- انصاری، نرگس؛ عاشورا در آئینه شعر معاصر؛ تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۹.
- بصری، میر؛ **أعلام الأدب فی العراق الحديث**؛ لندن: دار الحکمة، ۱۹۹۹م.
- ترابی، ضیاء الدین؛ **شکوه شقایق**؛ قم: انتشارات سما قلم، ۱۳۸۴.
- حسینی، سیدحسن؛ **گنجشک و جبرئیل**؛ چ ششم، تهران: نشر افق، ۱۳۸۶.
- حسن لی، کاووس؛ **گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران**؛ چ دوم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۶.
- الحسن، عبدالله؛ **لیلة عاشوراء فی الحديث و الأدب**؛ ط ۱، ۱۴۱۸ق.
- جمیل، جواد؛ **الحسین لغة ثانية**؛ ط ۱، قم: المجمع العالمی لأهل البيت، ۱۹۹۶.
- جنداری، ابراهیم؛ **فی النص الروائی العربی**؛ دمشق: نشر تموز، ۲۰۱۲.
- ستاری، جلال؛ **مدخلی بر رمزشناسی عرفانی**؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- صدیقی، مصطفی؛ **جستجوی خوش خاکستری**؛ تهران: روشن مهر، ۱۳۸۴.
- الطبری، محمد بن جریر؛ **تاریخ الطبری** (بتاریخ الأمم والملوک)؛ ط ۵، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹هـ - ۱۹۸۹.
- فرجی، بهرام؛ «**جلوه‌های جنگ تحمیلی و دفاع مقدس در شعر سیدحسن حسینی، قیصر امین پور، سلمانی هراتی**»؛ فصلنامه شاهد اندیشه، ۱۳۹۲، دوره جدید، ش ۱۲، بهار ۹۱، ص ۱۶-۳۸.
- محدثی خراسانی، زهرا؛ **شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن**؛ تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۸.
- مجاهدی، محمد علی؛ **شکوه شعر عاشورا**؛ قم: پیک جلال، ۱۳۷۹.
- مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- مجیدی، حسن؛ «**ادبیات مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای اسلامی**»؛ نشریه ادبیات‌پایداری، ۱۳۹۱، ش ششم.
- معین‌الدینی، فاطمه؛ «**جلوه‌های رمانتیکسم در شعر مقاومت سید حسن حسینی**»؛ پژوهشنامه ادب غنایی - بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۶۷-۱۸۴.
- میریام، آلت؛ **رمان به روایت رمان نویس**؛ ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۸.